

بازپژوهی مبانی فقهی ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی؛ در خصوص قمار، شرط‌بندی و بخت‌آزمایی (با تأکید بر آرا و نظرات استدلالی شورای نگهبان)

مجتبی مصلح^{۱*}، محمد اسحاقی^۲

۱. پژوهشگر حوزوی و دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول، رایانامه: m.mosleh@ut.ac.ir

چکیده:

«قمار» و «شرط‌بندی» از جمله عناوین فقهی بوده که عموم فقها در کتاب «السبق و الرماية» از آن سخن گفته‌اند. «بخت‌آزمایی» نیز که از مسائل مستحدثه فقهی به شمار می‌آید، به مرور زمان و با رواج آن، به مباحث فقهی اضافه گردید که مسائل آن عموماً ذیل عنوان «قمار» بررسی شده است. ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی که در ابتدا تنها به جرم‌انگاری «قمار» اکتفا کرده بود، با گذشت زمان و توسعه جرایمی نظیر آن، قانون‌گذار را به اصلاح این ماده قانونی وادار نمود. در اصلاح این ماده، قانون‌گذار رفتار را خارج از عنوان مجرمانه، جرم‌انگاری نموده است. اما با وجود اصلاح این ماده قانونی و جرم‌انگاری این نوع رفتار، تاکنون به بررسی فقهی این ماده قانونی پرداخته نشده است. هدف از نگارش این مقاله، ارزیابی فقهی ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی با تکیه بر این عناوین و با تأکید بر نظرات استدلالی شورای نگهبان می‌باشد. نتایج این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده است، نشان می‌دهد که این ماده قانونی با عناوین قمار، شرط‌بندی و بخت‌آزمایی تطابق دارد؛ اما با این حال در برخی موارد، نظیر استثناء مسابقات سوارکاری، تیراندازی و شمشیربازی از بند دوم این قانون، مطابق با موازین شرعی نبوده و از این جهت، اصلاح آن ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی:

قمار، شرط‌بندی، بخت‌آزمایی، ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی، شورای نگهبان

Re-examination of the Juristic Foundations of Article 705 of the Islamic Penal Code; Regarding Gambling, Betting, and Lottery (Emphasizing the Reasoned Opinions of the Guardian Council)

Abstract:

Gambling and betting are among the juristic titles that most jurists have discussed in the book *Al-Sabq wa al-Ramayah*. Lottery, which is considered a contemporary juristic issue, has gradually been added to juristic discussions over time as it has become more prevalent, and its issues are generally examined under the title of gambling. Article 705 of the Islamic Penal Code initially focused solely on criminalizing gambling, but over time, with the expansion of similar crimes, the legislator was compelled to revise this legal provision. In the amendment of this article, the legislator has criminalized behavior outside the scope of the criminal title. However, despite the amendment of this legal article and the criminalization of this type of behavior, a juristic examination of this legal provision has not yet been conducted. The aim of this article is to juristically evaluate Article 705 of the Islamic Penal Code, with a focus on these titles and emphasizing the reasoned opinions of the Guardian Council. The results of this research, which has been written using a descriptive-analytical method, indicate that this legal article aligns with the titles of gambling, betting, and lottery; however, in some cases, such as the exemption for horse racing, shooting, and fencing competitions from the second clause of this law, it is not in accordance with Islamic principles, thus necessitating its amendment."

Keywords:

Gambling, Betting, Lottery, Article 705 of the Islamic Penal Code, Guardian Council

«قمار» یکی از موضوعات فقهی بوده که در حرمت تکلیفی و وضعی آن اختلافی نیست (حسینی عاملی، بی تا: ۵۵/۴). مستند به همین امر، قانون گذار در ماده ۷۰۵ مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ هجری شمسی، این عنوان را جرم انگاری نمود. اما با گذشت زمان و گسترش برخی جرائم نظیر آن، قانون گذار را به این امر رهنمون کرد که موارد دیگری را نیز به این قانون اضافه نماید. بنابراین در «طرح ماده واحده اصلاح مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» پیش نویس اولیه این قانون تصویب و به شورای نگهبان ارسال گردید. بعد از سه مرحله ایراد اشکال و اعاده شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی، در نهایت با رفع اشکالات طرح شده، این قانون در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ به تأیید شورای نگهبان رسید. در این ماده قانونی، علاوه بر «قمار» که در قانون مصوب ۱۳۷۵ وجود داشت، «شرط بندی» و «بخت آزمایی» نیز جرم انگاری گردید. اما با توجه به ایرادات شورای نگهبان، در نهایت، رفتار بدون عنوان مجرمانه، در قانون درج گردید.

قانون گذار مطابق اختیاری که حاکم اسلامی به او تفویض کرده است، می تواند مواردی که معصیت و حرام بوده و شارع برای آن عقوبتی تعیین نکرده را جرم انگاری نموده (تعزیرات شرعی) و یا آنکه در صورت عدم حرمت، بنا بر مصالح جامعه، آن رفتار را ذیل عنوان تعزیرات حکومتی، جرم انگاری نماید (انصاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۴). در این ماده واحده که هر یک از بندهای آن آمده است: «ارتکاب هر یک از رفتارهای مذکور در بندهای (۱) تا (۳) این ماده جرم است و هر شخص به هر نحوی در فضای حقیقی یا مجازی یکی از رفتارهای مذکور را مرتکب شود، علاوه بر ضبط اموال و عواید حاصل از جرم به نفع دولت، به جزای نقدی درجه شش یا

جزای نقدی معادل ارزش یک تا سه برابر مجموع اموال و عواید ناشی از جرم، هر کدام بیشتر باشد، محکوم می شود». در ادامه قانون گذار هر یک از سه بند را به علاوه دو تبصره، بیان می کند که جهت پرهیز از تکرار، در تحلیل فقهی هر یک از آنها، ذکر آن خواهد آمد.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی، مطابق با موازین فقهی می باشد؟ با توجه به وظیفه شورای نگهبان در نظارت قانونی و شرعی بر قوانین، نظرات استدلالی این شورا نیز مورد بررسی و ارزیابی فقهی قرار می گیرد.

در خصوص قمار، شرط بندی و بخت آزمایی، تحقیقاتی صورت گرفته است؛ لکن این تحقیقات که بر پایه مباحث فقهی یا حقوقی این عناوین بوده، به بررسی ادله فقهی^۱، استثنائات^۲ و یا رابطه بعضی از این عناوین با یکدیگر^۳ پرداخته است. اما با توجه به آنکه از تصویب این قانون، زمان زیادی نمی گذرد، تاکنون تحقیقی که به بررسی فقهی این ماده قانونی پرداخته باشد، صورت نگرفته است. در این تحقیق بدون ورود تفصیلی به ادله فقهی و تکرار مسائل مطرح شده در تحقیقات صورت گرفته، این ماده قانونی با تأکید بر نظرات استدلالی شورای نگهبان مورد ارزیابی قرار گرفته است. این ماده قانونی از سه بند و دو تبصره تشکیل شده که مبانی فقهی هر

^۱ حاجیان فروشی، ز. (۱۳۹۷). نظریه مشروعیت سبق ورمایه در تسلیحات نظامی مدرن. فقه و مبانی حقوق اسلامی. ۵۲ (۲). ۳۴۹-۳۶۷.

^۲ محمدیان، ع. (۱۴۰۰). درنگی در مصادیق استثناء شده از حرمت قمار و گرو بندی (موضوع ماده ۶۵۵ ق.م). مطالعات حقوق خصوصی. ۵۱ (۲). ۳۹۳-۴۰۸.

^۳ نظری علوم، م و اسفندیار پور، م. (۱۳۹۶). نسبت سنجی فقهی-حقوقی بخت آزمایی با قمار. مبانی فقهی حقوق اسلامی. ۱۰ (۲۰). ۱۴۳-۱۶۵.

کدام از آنها، به طور مستقل و با تأکید بر نظرات استدلالی شورای نگهبان، بررسی می گردد.

۱- نقد و بررسی فقهی بند اول ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی

در بند اول این ماده قانونی اینگونه آمده است:

«هر نوع توافق صریح یا ضمنی با هدف برد و باخت که به موجب آن بازنده یا بازندگان یا شخص ثالثی ملتزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برنده یا برندگان یا شخص ثالثی میشوند».

پیشینه این قانون نشان می دهد که قانون گذار به دنبال جرم انگاری «قمار» بوده است و به همین جهت قیودی که در این قانون آمده، عمدتاً قیودی است که در تعریف قمار بیان شده است. اما با تغییراتی که قانون گذار در آن ایجاد کرد از جمله حذف قید «بازی»، تعریف «قمار» دیگر شامل آن نشده و به همین جهت به پیشنهاد شورای نگهبان، عنوان «قمار» از قانون خارج گردید، تا اشکال شرعی آن رفع گردد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ ب: ۴). در نهایت قانون گذار با توسعه موضوع، موارد دیگری را که در حکم قمار بوده را نیز جرم انگاری نمود. به همین جهت این بند از قانون، بر پایه عنوان فقهی «قمار» بررسی می گردد و مواردی که خارج از این عنوان بوده را نیز متذکر شده و حکم آن بیان می گردد.

۱-۲ «هر نوع توافق»

از تعبیر به «توافق» می توان این نکته را برداشت کرد که موضوع این بند، حداقل شامل «دو طرف» بوده، اما در قمار، دو طرفه بودن، مقوم آن شمرده شده است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۶/۱۴۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸:

۳۰۵). لکن به نظر می‌آید به جهت آنکه غالباً بازی‌ها دو طرفه هستند، برخی در تعریف قمار به دو طرفه بودن آن اشاره کرده‌اند و گرنه بیان دو طرفه بودن آن، ذکر حداقل طرف‌های بازی است (قائینی، ۱۴۲۴: ۵۲۴/۲). مؤید این ادعا، کلام فقهاست که دو طرفه بودن را در مقابل بازی انفرادی مطرح کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۴۳/۱۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸: ۳۰۵). بنابراین اگر بازی، چند طرف هم داشته باشد و شرایط دیگر آن نیز موجود باشد، به آن قمار گفته می‌شود.

اضافه قید «توافق» در متن قانون، به جهت آن بوده که مشخص شود که آنچه که در عنوان قمار، دخالت دارد، وجود یک «اراده انشائی» می‌باشد. بنابراین اگر دو طرف بازی و یا شخص ثالث، بدون آنکه از قبل توافقی کنند، مثلاً شخص ثالث یا بازنده در پایان بازی، مالی به برنده دهد، حال آنکه برنده توقعی نداشته و خود را طلبکار نمی‌داند؛ در این صورت از عنوان قمار خارج بوده و داخل در عنوان «هدیه» یا «جایزه» می‌شود که اشتراک هر دو عنوان، در تملیک مجانی و بدون عوض است (علی‌ایروانی، ۱۳۷۹: ۲۵۸/۲؛ موسوی خلیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۰/۲). به همین جهت است که شورای نگهبان، به وجود قیدی در قانون تأکید می‌کند تا مشخص شود که این «اراده انشائی» است که موجب انعقاد قمار می‌شود و بدون وجود آن، قمار صدق نمی‌کند (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ الف: ۴).

به‌طور کلی قید «هر نوع توافق» را در یک تقسیم ثنائی، می‌توان در دو قسم بررسی نمود. زیرا این توافق، یا در قالب بازی صورت می‌گیرد و یا در قالبی غیر از بازی. همچنین با توجه به آنکه در ادامه این بند، به بازی با آلات خاصی اشاره نشده است، باید بررسی شود که آیا قید «آلات مخصوص قمار»، مقوم قمار است و یا آنکه تفاوتی نمی‌کند که بازی با چه آلات و ابزاری صورت بگیرد؟

۱-۲-۱ توافق در قالب بازی

بنا بر تعریف برخی ادیبان و بسیاری از فقهای امامیه، عنوان «لعب و بازی» در مفهوم قمار أخذ شده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۶۳/۳؛ شرتونی، ۱۳۷۴: ۴۱۱/۴؛ جرجانی، ۱۳۷۰: ۷۷؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۲۴/۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۱۲۹/۳؛ مقدس اردبیلی، بی تا: ۴۱/۸). بنابراین تعریف، در صورت شک نیز أخذ به قدر متیقن شده که قدر متیقن از قمار، صورتی است که صدق بازی کند (روحانی، ۱۴۲۹: ۸۵/۲). لذا قمار تنها شامل بازی شده و مواردی که در قالبی غیر از بازی محقق می شود، از موضوع قمار خارج است.

۱-۲-۲ توافق در قالب غیر بازی

طبق بیان مشهور فقهای امامیه، اگر این توافق ذیل «بازی» صورت نگیرد، بلکه در قالبی غیر از بازی محقق شود، دیگر عنوان قمار بر آن صدق نمی کند (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۱۴/۲؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۳۷۱/۱). زیرا اگرچه برخی لغوی ها در تعریف قمار «خُدعه و نیرنگ» را آورده اند و نامی از «بازی» به میان نیاورده اند (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۲۶/۹؛ زمخشری، ۱۳۹۹: ۵۲۲)؛ اما به نظر می آید ایشان در مقام ارائه تعریف جامعی از قمار نبوده و تنها به این وجه از قمار اشاره کرده اند که قمار، همراه با خدعه و نیرنگ است.

به طور کلی در اینکه موضوع قمار چه باشد، چهار احتمال بیان شده است: ۱- آلات قمار ۲- مالی که در معامله بر آن شرط بسته می شود ۳- بازی با آلات قمار ۴- قرارداد و معامله ای که بر بازی با قمار بسته می شود. از این چهار احتمال، احتمال سوم و چهارم از دیگر احتمالات قوی تر دانسته

شده است (روحانی، ۱۴۲۹: ۸۵/۲) و گفته شده از احتمالات چهارگانه، تبادر عرف از قمار، معنای سوم است (علی‌ایروانی، ۱۳۷۹: ۳۷/۱). فقه‌های شورای نگهبان نیز همانند مشهور، بازی را در صدق قمار، شرط دانسته‌اند (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۷ و ۴؛ پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱: ب: ۳).

حال آنچه که در شرع حرام شده، نفس قمار است نه قراردادی که مبتنی بر قمار است. به عبارت دیگر، قمار، بازی مبتنی بر عقد رهان است؛ بنابراین، عقد، شرط صدق قمار است و نه جزء معنای قمار (قائینی، ۱۳۹۵: ۳۰۳). لذا موضوع قمار، «بازی» با شرایط گفته شده در فقه می‌باشد و اگر در قالب عقد و یا غیر آن قرار بگیرد، خروج از عنوان قمار می‌باشد. با این حال، اگرچه در حرمت تکلیفی اینگونه قرارداد اختلاف است؛ اما به نظر می‌آید در بطلان و فساد اینگونه معامله که مبتنی بر رهان و گرو گذاری می‌باشد، اختلافی نیست (قائینی، ۱۳۹۵: ۳۰۲)؛ لذا مبتنی بر آن، قانون‌گذار می‌تواند آن را جرم‌انگاری نماید. حال که حکم شرعی این قسم مشخص گردید، با توجه به قیود این بند که متناسب با عنوان فقهی «قمار» بوده، این قیود با توجه به عنوان فقهی «قمار» بررسی می‌گردد تا مشخص گردد که آیا «بازی» به همراه دیگر قیود را می‌توان ذیل عنوان قمار قرار داد یا خیر؟

۳-۱-۲ بررسی دخالت قید «آلات مخصوص قمار» در تعریف قمار

گفته شد که تعبیر «هر نوع توافق» در صورتی که توافق در قالب بازی صورت بگیرد، شامل بازی با هر آلت و ابزاری می‌شود. بنابراین با توجه به آنکه برخی، قید «بازی با آلات مخصوص قمار» را در تعریف قمار آورده‌اند، بررسی دخالت این قید در مفهوم قمار ضروری است.

قریب به اتفاق لغوی‌ها، در تعریف قمار، از «آلات مخصوص قمار» سخنی به میان نیاورده‌اند و تنها طریحی این قید را در تعریف قمار آورده و شرط‌رنج‌ون‌رد را به‌عنوان نمونه ذکر می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۶۳/۳). شیخ‌انصاری نیز به تبع از طریحی، این قید را در تعریف قمار ذکر می‌کند (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵: ۳۷۱/۱).

اما برخی فقها نظیر فاضل‌نراقی این قید را در تعریف قمار دخیل ندانسته و از این حیث، بنا بر نظر ایشان بین آلات مخصوص قمار و غیر آن، تفاوتی نمی‌کند (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۰۴/۱۴). برخی نیز أخذ این قید را در تعریف قمار، تعریفی دوری دانسته و آن را صحیح نمی‌دانند (خوئی، ۱۴۱۸: ۵۷۳/۳۵-۵۷۲). بنابراین طبق معنای عموم لغوی‌ها از قمار، به نظر می‌آید که این قید در تعریف قمار دخیل نبوده و بازی با هر نوع آلت و ابزاری - همراه با دیگر قیودی که ذکر آن خواهد آمد - قمار محسوب می‌شود.

اما حتی اگر «آلات مخصوص قمار» را نیز داخل در مفهوم قمار بدانیم، بازی با غیر این آلات نیز - در صورت جمع شدن با دیگر شرایط - از لحاظ حکم ملحق به قمار بوده و حرام می‌باشد (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵: ۳۷۵/۱؛ موسوی خوانساری، ۱۳۵۵: ۲۸/۳) و ظاهراً فی‌الجمله اختلافی در این حکم، بین فقهای شیعه و اکثر فقهای اهل سنت وجود ندارد (خوئی، ۱۴۱۸: ۵۷۱/۳۵). بنابراین، اینکه «آلات مخصوص قمار» داخل یا خارج از مفهوم قمار باشد، تفاوتی در حکم ایجاد نکرده و به همین جهت، قانون‌گذار این قید را لحاظ نکرده و آن را به‌طور مطلق، جرم‌انگاری نموده است.

۲-۲ «صریح یا ضمنی»

در موضوعات مختلف فقهی، در اینکه قید یک موضوع، «صریحاً» یا «ضمناً» باشد، تفاوتی در حکم ایجاد نمی‌کند و فقها، حکم این دو قسم را

یکی دانسته‌اند (محقق کرکی، ۱۴۰۹: ۱۰۲/۱؛ شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۳۲۵/۱؛ میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۴۰۷/۳). تا آنجا که در توضیح آیه «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ» (نساء: ۱۳) گفته شده که تفاوتی نمی‌کند این احکام به نحو صریح بیان شده باشد و یا به نحو ضمنی (فاضل جواد، ۱۳۶۵: ۳۷۵/۱). حال در حرمت قمار و شرط‌بندی نیز همین امر جاری است و تفاوتی نمی‌کند که این شرط، به صورت صریح و مثلاً در قالب یک معامله اصلی صورت بگیرد، یا آنکه به صورت ضمنی باشد مانند آنکه شرط، در ضمن یک معامله‌ی دیگر باشد. در هر صورت صریح یا ضمنی بودن شرط، در حرمت و بطلان قمار، تفاوتی ایجاد نمی‌کند (سند، ۱۴۲۸: ۵۳۲).

۲-۳ «با هدف برد و باخت»

از این عبارت در کلام فقها تعبیر به «مغالبه» شده است. به این معنا که اینگونه بازی‌ها باید با هدف غلبه‌ی یک طرف بر دیگری صورت بگیرد که به آن قمار گفته شود (جزائری، بی تا: ۵۵)؛ بنابراین، بازی بدون آنکه در قالب مسابقه و برد و باخت باشد، از مفهوم **قمار** خارج است (قائینی، ۱۴۲۴: ۵۲۴/۲) و حتی اگر هدف وانگیزه یک طرف، غلبه **بر** دیگری باشد، قمار صدق می‌کند (قائینی، ۱۳۹۵: ۲۹۵).

از لغوی‌ها نیز برخی معنای «غلبه» را در قمار آورده‌اند (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۱۵/۲). حتی کسانی که در معنای قمار، رهان و گروگذاری را أخذ کرده‌اند نیز به نحوی به معنای غلبه نیز توجه داشته‌اند، زیرا مفهوم «غلبه» در «رهان» وجود دارد. بنابراین، حتی در صورتی که قانون‌گذار این قید را نیز نمی‌آورد، از قید «گروگذاری» که از این قانون فهمیده می‌شود نیز این معنا دانسته می‌شود و به تعبیری این قید را می‌توان، تأکیدی بر قید گروگذاری دانست.

۴-۲ گروگذاری (رهان)

یکی از قیودی که احتمال می‌رود در مفهوم قمار اخذ شده باشد، «مُراهنه و رهان» به معنای «گرو گذاشتن» یا «شرط‌بندی» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲/۲۴۲۳) است که در بند اول این قانون، تعبیر «ملتزم به پرداخت وجه، مال...» به آن اشاره دارد. در این بخش، صرفاً دخالت رهان و گروگذاری در مفهوم قمار بررسی می‌شود و بررسی طرف‌های گرو، خواهد آمد.

برخی از لغوی‌ها، قید «رهان» را در تعریف قمار آورده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۴۶۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵/۱۱۵؛ موسی و صعیدی، ۱۴۱۰: ۲/۱۳۱۷). در اصطلاح نیز گرچه برخی از فقها در وجود قید «آلات مخصوص قمار» در مفهوم قمار اختلاف داشته‌اند؛ اما بسیاری از ایشان در اینکه مقوم قمار، رهان و گروگذاری می‌باشد، با یکدیگر اختلافی ندارند (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۳۷۲؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۴/۱۰۴؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۳۵/۵۷۰؛ خمینی، ۱۳۹۲ الف: ۷/۲). از این‌رو گفته شده: «قدر متیقن از موضوع قمار، آن است که بازی با آلات مخصوص و همراه با گروگذاری باشد» (خمینی، ۱۳۹۲ ب: ۷/۲؛ حایری و اسلامی، ۱۳۹۶: ۱۱۹) و از جهت حکم نیز می‌توان گفت که قدر متیقن از حرمت، همین مورد می‌باشد (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۳۷۱-۳۷۲) تا جایی که برخی حرمت این قسم را از ضروریات اسلام برشمرده‌اند (روحانی، ۱۴۲۹: ۲/۸۷). بنابراین در اینکه با وجود گرو، قمار صدق می‌کند شک و شبهه‌ای نیست و تنها نقطه اختلاف این است که آیا بدون گرو نیز قمار صدق می‌کند یا خیر؟

در هر صورت، این بند از قانون، نسبت به موردی که این «توافق»، بدون گروگذاری باشد، اما دیگر شرایط را داراست، جرم‌انگاری نکرده است و وجود گرو در این ماده قانونی، لازم دانسته شده است. لکن از جهت حکم، در حرمت بازی با آلات مخصوص، ولو آنکه بدون گروگذاری باشد،

شک و شبهه‌ای نیست (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۲۴/۴؛ منتظری، ۱۴۱۵: ۱۸۴/۲) که البته این قانون نسبت به آن ساکت است.

۵-۲ گروه‌گذاری توسط «بازنده یا بازندگان یا شخص ثالث»

باتوجه به افرادی که در بند اول این قانون تعیین شده که «بازنده یا بازندگان یا شخص ثالثی ملتزم به پرداخت وجه، مال ... به برنده یا برندگان یا شخص ثالثی می‌شوند»؛ بررسی فقهی آن در چهار صورت کنکاش می‌شود:

۱-۵-۲ بازنده یا بازندگان ملتزم به پرداخت وجه، مال و ... به برنده یا برندگان شوند:

با فرض پذیرش قول مشهور که گروه‌گذاری، از مقومات قمار محسوب می‌شود، قدر متیقن از حرمت، آن است که بازنده یا بازندگان ملتزم به تملیک در آوردن عوضی به برنده شوند (صدر، ۱۴۳۰: ۱۷۹/۳). بنابراین در حکم حرمت این قسم اختلافی نیست که در این بند قانونی نیز برای آن جرم‌انگاری شده است.

۲-۵-۲ شخص ثالث ملتزم به پرداخت وجه، مال و ... به برنده یا برندگان شوند:

برخی فقها با دیده تردید به این قسم نگریسته‌اند اما با این وجود، احتمال صدق قمار در این فرض را نیز ردّ نکرده‌اند (قائینی، ۱۳۹۵: ۳۰۰). برخی نیز با وجود آنکه آن را قمار ندانسته و قائل به حرمت تکلیفی آن نیستند، اما نسبت به حکم وضعی آن در صورتی که غرض عقلائی بر آن فرض نشود، از باب «أکل مال بباطل» قائل به بطلان این عقد می‌باشند

(مدرسی، ۱۳۹۲: ۲۲۳). اما برخی از مراجع معاصر از جمله مقام معظم رهبری، همانند صاحب‌جواهر، این التزام را اگرچه از طرف شخص ثالث باشد، موضوعاً قمار دانسته و حرام می‌دانند (نجفی، بی تا: ۱۰۹/۲۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۹۰/۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸: ۳۰۵). بنابراین نظر، این قسم نیز داخل در عنوان قمار بوده و حرام می‌باشد.

۳-۵-۲ بازنده یا بازندگان ملتزم به پرداخت وجه، مال و ... به شخص ثالث شوند:

در صدق قمار، در فرض آنکه بازنده یا بازندگان ملتزم به پرداخت وجه، مال و ... به شخص ثالث شوند، اشکال شده است و برخی صریحاً این قسم را از مفهوم قمار، خارج دانسته‌اند (قائینی، ۱۳۹۵: ۲۹۸). زیرا قدر متیقن از صدق قمار در جایی است که طرفین بازی، با انگیزه غلبه و دریافت مال شرط‌بندی شده اقدام به مسابقه و بازی می‌کنند؛ حال در صورتی که این مال بخواهد به شخص ثالث برسد، نمی‌توان احراز کرد که این قسم نیز داخل در مفهوم قمار است (قائینی، ۱۳۹۵: ۲۹۸). اما فقهای شورای نگهبان، حتی این فرض را نیز داخل در مفهوم قمار دانسته‌اند (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۴)؛ اما علاوه بر آنکه دلیلی برای این قول ذکر نکرده‌اند؛ این قول، قائلی نیز ندارد. اما حتی در صورت تردید در صدق قمار، در آنکه این مورد نیز مصداق گروگذاری است، تردیدی نیست؛ لذا همانگونه که بیان شد، در حرمت وضعی آن نیز تردیدی نمی‌باشد.

۴-۵-۲ شخص ثالث ملتزم به پرداخت وجه، مال و ... به شخص ثالث شود:

حال که قسم سوم، خارج از مفهوم قمار دانسته شد، به طریق اولی این قسم نیز از مفهوم قمار خارج است. زیرا در آنجا، بازنده یک طرف بازی بود که ملتزم شده بود، مالی را به شخص ثالث بدهد؛ با این وجود نمی توانست احرار کرد که آن قسم داخل در مفهوم قمار باشد، اما در این قسم، شخص ثالث اصلاً دخالتی در آن مسابقه و بازی نداشته است که به آن قمار گفته شود. به عبارت دیگر، این شخص اصلاً داخل در بازی نبوده که بخواهد التزام او قمار شمرده شود و گفته شد که مطابق معنای لغوی و اصطلاحی، «بازی» از مقومات قمار محسوب می شود.

بنا بر توضیحی که بیان شد، به نظر می آید که این قسم، به طور خاص داخل در مفهوم شرط بندی بوده، لذا با این بیان، این بخش از بند اول با بند دوم تداخل دارد. زیرا برای این قسم دو صورت می توان تصور نمود: ۱- شخص «الف» و «ب» که دو طرف بازی هستند، ملتزم شوند که مثلاً در صورت بُرد یکی، شخص «ج» به شخص «د» مالی پرداخت کند؛ ۲- دو طرفی که خارج از بازی هستند، ملتزم شوند که مثلاً در صورت بُرد «الف»، آن کسی که اشتباه پیش بینی کرده، مالی را به شخصی که درست پیش بینی کرده، پرداخت نماید. صورت اول، اگر چه ممکن است گفته شود داخل در بند اول این قانون قرار می گیرد؛ لکن این صورت معقول نیست و عادتاً اتفاق نمی افتد و اصلاً التزامی را نیز برای دو طرف خارج از بازی، ایجاد نمی کند. اما صورت دوم، به طور خاص، همان مفاد بند دوم این قانون بوده که بررسی آن خواهد آمد. بنابراین بهتر بود که قانون گذار این صورت را از مفاد این بند خارج می نمود.

۶-۲ «پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی»- «به صورت مستقیم یا غیر مستقیم»

در صدق قمار تفاوتی نمی‌کند که شخص ملتزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی شود، بلکه آنچه که ملاک است پرداخت مال و یا انجام هر کاری که به صورت مجانی ارائه شود (صدر، ۱۴۳۰: ۱۸۰/۳). به عبارتی دیگر، التزام به هرگونه اعطاء و بخششی به نحو مذکور، قمار می‌باشد (خرازی، ۱۴۲۳: ۱۰۲/۷). بنابراین حتی غیر مستقیم بودن آن نیز، موجب خارج شدن از عنوان اعطاء و بخشش نمی‌شود. از کلام برخی از فقها و لغوی‌ها که از متعلق التزام و تعهد در قمار، تعبیر به «شیء» کرده‌اند (علی‌ایروانی، ۱۳۷۹: ۳۸/۱؛ شرتونی، ۱۳۷۴: ۴۱۱/۴) نیز می‌توان این معنا را استفاده کرد که پرداخت به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، دخالتی در حکم ایجاد نمی‌کند.

۲- بررسی فقهی بند دوم ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی

در بند دوم این ماده قانونی اینگونه آمده است:

«هر نوع مشارکت دو یا چند شخص در خصوص پیش‌بینی موضوعی خاص یا فرض وقوع امری خاص، که بازنده یا بازندگان ملزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی یا هر امتیاز دیگری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برنده یا برندگان یا شخص ثالثی باشند».

با مقایسه بند اول و دوم این قانون روشن می‌شود که رابطه این دو بند، عموم و خصوص مطلق است و بند اول، اعم از بند دوم می‌باشد. زیرا عبارت «هر نوع توافق» که در بند اول آمده، این بند را نیز در بر گرفته و شامل توافق بر پرداخت مال در صورت صحت «پیش‌بینی موضوعی خاص یا فرض وقوع امری خاص» نیز می‌شود. تعبیر «با هدف برد و باخت» که در بند اول آمده نیز نمی‌تواند، این دو را از هم متمایز کند؛ زیرا اگر چه در این

بند به آن اشاره نشده است، اما همانگونه که بیان شد این معنا از «گروگذاری» که در این بند نیز آمده، فهمیده می‌شود.

عبارت «فرض وقوع امری خاص» بعد از تذکر شورای نگهبان مبنی بر منحصر نبودن شرط‌بندی در انجام «پیش‌بینی» (شورای نگهبان، ۱۴۰۱- الف: ۷) به این بند اضافه گردید که البته نظر شورا، تغییر عبارت بود که در نهایت قانون‌گذار، بدون تغییر در عبارت اولیه، عبارت دوم را اضافه نمود. زیرا آنگونه که بیان شد، ملاک شرط‌بندی، رهان و گروگذاری است؛ بنابراین تفاوتی نمی‌کند که متعلق شرط‌بندی، خصوص پیش‌بینی باشد و یا فرض وقوع یک امر خاص. اما مثالی که شورای نگهبان برای صورت دوم می‌زند: «شرط‌بندی بر آواز خواندن یا نخواندن پرنده نشسته بر درخت» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ الف: ۷)، به نظر صحیح نبوده؛ بلکه این مثال نیز مطابق با عنوان پیش‌بینی است. زیرا در این مثال نیز پیش‌بینی بر خواندن یا نخواندن آن پرنده بوده است. مثال صحیح «فرض وقوع امر خاص»، آن است که گفته شود دو نفر با هم شرط ببندند بر اینکه هر کسی بتواند این مقدار وزنه را بلند کند، شخص دیگر فلان مقدار مال به او بدهد.

این بند از قانون در «طرح اصلاح مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» ابتدا با عنوان «شرط‌بندی» آمده بود که بعد از حذف عنوان «قمار» در بند اول، به جهت اشکالات شورای نگهبان بر آن، قانون‌گذار این عنوان را نیز حذف کرده و رفتار را خارج از عنوان مجرمانه، جرم‌انگاری نموده است. حال آنکه از جانب شورای نگهبان به جهت صدق عنوان شرط‌بندی، اشکالی به این بند گرفته نشده بود. بنابراین، این بند از قانون، مطابق موازین فقهی، بر «شرط‌بندی» در فقه تطبیق می‌گردد، لذا بنا بر عنوان فقهی «شرط‌بندی»، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از شرط‌بندی در فقه، با عنوان «رهان» نام برده شده است است (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱۹۹/۴) که در لغت علاوه بر معنای «گروگذاری» (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۷/۶)، به معنای «مُخاطره» (ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۳۰۰/۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۲۲۲/۴) نیز آمده است. مخاطره که در بیان عامیانه از آن به «ریسک» تعبیر می‌شود، همواره قرین با شانس و اقبال بوده که نشان دهنده آن است که این عنصر، نقش محوری در «رهان» دارد. فقها نیز در تعریف آن گفته‌اند که «رهان» به معنای شرط **یستن** بر دادن یا گرفتن مالی، در فرض انجام کار یا وقوع امری است که عادتاً از اختیار انسان خارج بوده، بلکه شانس تعیین کننده آن می‌باشد (قائینی، ۱۳۹۵: ۳۰۱)؛ حتی «قمار» نیز، ذیل عنوان «رهان» که عنوان عامی می‌باشد، قرار می‌گیرد (قائینی، ۱۳۹۵: ۳۰۱)؛ با این تفاوت که در قمار، علاوه بر شانس و اقبال، مهارت نیز دخیل است. به هر حال ظاهراً در حرمت وضعی شرط‌بندی (بطلان)، اختلافی نیست (قائینی، ۱۳۹۵: ۳۰۲)؛ و تنها در حکم تکلیفی آن اختلاف شده است که با این حال، برخی از فقها قائل به حرمت تکلیفی آن نیز شده‌اند (حکیم، ۱۳۹۱: ۳۴۶؛ علوی‌گرگانی، ۱۳۸۴: ۳۹۳/۱). با توجه به آنکه قیودی که در این بند آمده، با بند اول، مشترک بوده و به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت، دیگر به توضیح آن قیود پرداخته نمی‌شود و همان توضیحات در اینجا نیز صادق است.

۳- بررسی فقهی بند سوم ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی

در بند سوم این ماده قانونی اینگونه آمده است:

«مشارکت دو یا چند شخص در خصوص انجام قرعه‌کشی با هر اقدام مبتنی بر شانس یا انتخاب تصادفی که در نتیجه آن کل یا بخشی از وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی پرداخت شده یا در تعهد پرداخت قرار گرفته شرکت کنندگان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به یک یا چند

نفر از شرکت کنندگان که بر مبنای قواعد آن مشارکت برنده محسوب می‌شوند، پرداخت شود»

این بند متباین با بند اول و دوم می‌باشد. زیرا برخلاف بند اول که بازنده یا بازندگان یا شخص ثالث ملتزم به پرداخت مال بودند؛ اما مطابق این بند، مال پرداختی از اموال همه شرکت کنندگان است که به برنده یا برندگان پرداخت می‌شود. همچنین موضوع بند دوم «پیش‌بینی موضوعی خاص یا فرض وقوع امری خاص» است که خارج از موضوع این بند می‌باشد.

در بند سوم این ماده قانونی، «بخت‌آزمایی» جرم‌انگاری شده است. اگر چه مانند دو بند قبل، در این بند نیز، رفتار، خارج از عنوان مجرمانه جرم‌انگاری شده و نامی از عنوان جرم برده نشده است؛ لکن این تعریف مطابق تعریف بخت‌آزمایی بوده و در ابتدا نیز با همین عنوان، در اصلاح این ماده قانونی آمده بود که در نهایت، عنوان آن از این بند حذف گردید. لذا این بند مطابق با عنوان «بخت‌آزمایی» که در فقه از آن سخن گفته شده است، بررسی می‌شود.

بخت‌آزمایی که در عرب با عنوان «الیانصیب» از آن نام برده شده (دارالمشرق، ۲۰۰۰: ۱۵۶۵) و از عناوین مستحدثه در فقه می‌باشد، قسم رایج آن در اصطلاح اینگونه تعریف شده است: توافق بین یک شخص، شرکت و یا مجموعه با اشخاص است که اشخاص با خریدن بلیط آن به مبلغ معین، در قرعه‌کشی که از جانب آن مجموعه برگزار می‌شود شرکت داده‌شده و به‌افرادی که نام آنها از قرعه خارج می‌شود، مبلغ معینی از آن مال پرداخت می‌شود (حلی، بی تا: ۵۲؛ روحانی، ۱۴۱۴: ۱۰۹؛ سب‌حانی، ۱۳۹۷: ۵۴). بنابراین برخلاف این بند که دو طرف مشارکت را شخص قرار داده است، ضرورتی ندارد که دو طرف این مشارکت، شخص باشد؛ بلکه

حتی اگر یک مجموعه هم اقدام به فروش بلیط به این نحو نماید - که متعارف نیز همین است - ، به آن بخت آزمایی گفته می شود.

برخی فقها بخت آزمایی را از بارزترین مصادیق قمار دانسته و به همین جهت به نظر ایشان، اطلاق ادله ای که بر حرمت قمار دلالت می کند، شامل بخت آزمایی نیز می شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۵۷۳/۳۵). اما این نظر، قابل خدشه است و نمی توان آن را از مصادیق قمار دانست (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸: ۳۰۹). زیرا همانگونه که بیان شد، «بازی» از مقومات قمار است، حال آنکه بخت آزمایی، همراه با بازی نبوده؛ لذا مجرد خرید و فروش آن به اعتبار آنکه مصادیق قمار باشد، حرام نمی باشد. حتی اگر احتمال داده شود که «بازی» در مفهوم قمار دخیل است، نمی توان آن را ذیل مفهوم قمار دانست و احکام آن را جاری کرد (تبریزی، ۱۳۸۹: ۴۳۷/۱). مگر آنکه ادعا شود که بخت آزمایی نیز خود یک نوع بازی است که در این صورت می توان آن را از مصادیق قمار دانست (روحانی، ۱۴۱۴: ۱۰۹).

به هر حال، در حرمت وضعی بخت آزمایی اختلافی نیست (تبریزی، ۱۳۸۹: ۴۳۶/۱؛ خرازی، ۱۴۲۳: ۹۰/۷) و برخی نیز آن را از مصادیق شرط بندی دانسته اند (قائینی، ۱۳۹۵: ۲۹۱). بنابراین دریافت کننده مال ضامن است (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۱/۲) و اگر عین مال موجود است، باید آن را به مالک برگرداند و در غیر این صورت، باید مثل آن را برگرداند و اگر مالک مشخص نیست، حکم اموال مجهول المالک را دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۳۰۷).

اما برخی فقها بخت آزمایی را همانند «ازلام» دانسته (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲/۲۸۶) که به استناد آیه «حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ .. تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ» (مائده: ۳)، حرمت تکلیفی آن نیز اثبات می شود. «ازلام» در زمان جاهلیت به تیرهایی می گفتند که با آن قرعه می انداختند (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۳/۱۴۹)

که در آیه دیگری از قرآن کریم، این عمل، عملی شیطانی شمرده شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۹۰). به هر حال برخی فقها علاوه بر حرمت وضعی، به حرمت تکلیفی بخت آزمایی نیز فتوا داده‌اند (حکیم، ۱۳۹۱: ۳۴۶؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۴: ۱۴۱/۲).

اما صورت دیگر بخت آزمایی آن است که شخص به قصد کمک به مؤسسات خیریه، در قبال پرداخت پول، برگه‌هایی دریافت می‌کند که به قصد تشویق آن افراد، قرعه کشی شده و مبلغی از آن پول به آنان داده می‌شود. این قسم از بخت آزمایی از نظر بسیاری از فقها، جایز می‌باشد (خمینی، ۱۳۹۲ ب: ۶۶۲/۲؛ سبزواری، بی تا: ۶۳۷؛ قائینی، ۱۳۹۵: ۲۹۱)، اما برخی فقها حتی این صورت را نیز حرام دانسته‌اند (روحانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹/۱). لکن شورای نگهبان به استناد فتوای مقام معظم رهبری، این قسم را موضوعاً خارج از عنوان قمار دانسته است (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۷). به هر حال، چه قائل به جواز این قسم از بخت آزمایی شده و چه آن را موضوعاً از عنوان بخت آزمایی خارج بدانیم، به نظر قیدی وجود ندارد که این قسم را موضوعاً یا حکماً از این بند خارج نماید و بند سوم، شامل این قسم نیز می‌شود؛ بنابراین ضروری بود که قانون‌گذار در نگارش قانون به این نکته توجه می‌نمود. توضیحات دیگر قیودی که در این بند آمده مطابق با بند اول بوده که جهت رعایت اختصار تکرار نمی‌گردد.

۴- بررسی فقهی تبصره اول ماده ۷۰۵

در این تبصره آمده است:

«التزام به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برنده یا برندگان مسابقات سوارکاری، تیراندازی و شمشیربازی و مسابقه با تانک، هواپیما و سایر ادوات جنگی که

کاربرد نظامی و دفاعی دارد و در فضای حقیقی برگزار می‌شود توسط شرکت کننده یا شرکت کنندگان بازنده در این مسابقات، مشمول جرائم موضوع بندهای (۱) و (۲) این ماده نیست».

نسبت به این تبصره دو نکته قابل بررسی است. نکته اول آنکه با توجه به مباحثی که در خصوص حرمت شرط بندی بیان شد، به چه دلیل «مسابقات سوارکاری، تیراندازی و شمشیربازی» از بند اول و دوم استثناء گردیده است. همچنین اگر استثناء موارد قبل، مستند به روایات است، چگونه «مسابقه با تانک، هواپیما و سایر ادوات جنگی که کاربرد نظامی و دفاعی دارند» نیز ملحق به آن موارد قبل شده و از اصل اولی حرمت، خارج گردیده است؟

۱-۴ «مسابقات سوارکاری، تیراندازی و شمشیربازی»

اصل اولی در شرط بندی حرمت است است (آل عصفور، ۱۳۶۳: ۳۶۱/۲۲). لذا حتی مطابق نظر شورای نگهبان که این مسابقات را با توجه به روایت «علاء بن سیابه»^۱، مستثنی از قمار می‌دانند (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۵؛ پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ الف: ۶)؛ به جهت آنکه گفته شد که قمار مفهومی اخص از شرط بندی است (قائینی، ۱۳۹۵: ۳۰۱)؛ اصل در قمار نیز، حرمت است. مضاف بر آنکه، دلیل مستثلی بر حرمت قمار نیز وجود دارد که بیان آن گذشت. اما با این وجود، برخی موارد از این اصل استثناء شده است و فقها در کتب فقهی خود در کتاب «السبق والرماية» به این مبحث پرداخته اند. علامه حلی جواز «سبق و رمایه» را از نظر قرآن، روایات و اجماع علما ثابت می‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۵/۱۹). «سبق»

^۱ عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ سَيَّابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ وَلَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ الْمُرَاهِنِ عَلَيْهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ أَجَرَ الْخَيْلَ وَ سَابِقَ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُ الرِّهَانَ فِي الْخَفِّ وَالْحَافِرِ وَالرَّيْشِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ قِمَارٌ حَرَامٌ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۵۳/۱۹).

مسابقه اسب‌دوانی به منظور شناخته شدن بهترین اسب‌دوان و «رمایه» نیز مسابقه تیراندازی برای شناخته شدن بهترین تیرانداز است (نجفی، بی تا: ۲۸/۲۱۲؛ باقر ایروانی، ۱۳۸۵: ۲/۲۸۳).

فقه‌های معاصر نیز به جواز شرط‌بندی در مسابقات اسب‌سواری و تیراندازی (حکیم، ۱۳۹۱: ۳۴۶؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۴: ۲/۱۴۰) و به طور کلی، به جواز شرط‌بندی بر هر سلاح برنده‌ای نظیر شمشیر و نیزه تصریح کرده‌اند (حکیم، ۱۳۹۱: ۴۸۰) که نظر شورای نگهبان نیز مطابق همین نظر می باشد (پژوهش‌کده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۵). به هر حال، در جواز شرط‌بندی اینگونه مسابقات، که موجب برتری دفاعی و نظامی حکومت اسلامی می شود، اختلافی نیست (مصطفوی، ۱۴۲۳: ۲۹۸).

لکن این تبصره، موارد مذکور را از بند (۱) و (۲) استثناء می کند. حال آنکه با توجه به ادله، تنها خود مسابقه‌دهندگان از اصل اولی حرمت شرط‌بندی خارج شده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/۱۸۴-۱۸۵؛ سیستانی، بی تا: ۲۶۶) و حتی اگر جایزه شخص برنده از مسابقه‌دهندگان موارد مذکور، توسط شخص ثالث نیز داده شود، اجماعاً جایز شمرده شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲/۱۸۵). لذا اگر کسی جزء مسابقه‌دهندگان نبوده و بخواهد شرط‌بندی یا پیش‌بینی کند، تحت اصل اولی حرمت باقی مانده و حتی در صورت شک نیز، باید به همان اصل اولی، مراجعه کرد. بنابراین، از چهار موردی که توضیح آن در بند اول گذشت، حکم به جواز قمار یا شرط‌بندی در مسابقات سه‌گانه مذکور در این تبصره، در دو مورد شرعی نمی باشد: (۱) بازنده ملتزم به پرداخت مال به شخص ثالث شود؛ (۲) شخص ثالث، ملتزم به پرداخت مال به شخص ثالث دیگری شود، حال آنکه هیچ کدام در مسابقه شرکت نداشتند. همچنین استثناء این مسابقات نسبت به بند دوم نیز در دو مورد، مطابق موازین شرعی نمی باشد: (۱) افراد پیش‌بینی

کننده، داخل در مسابقه دهندگان نباشند؛ ۲) افراد پیش‌بینی کننده، داخل در مسابقه دهندگان باشند، اما ملزم به پرداخت مال به شخص ثالثی شود که داخل در مسابقه نبوده است. لذا این دو صورت نیز، مطابق با موازین شرعی نبوده و داخل در اصل اولی حرمت شرط‌بندی قرار می‌گیرد. مگر آنکه گفته شود که بند دوم، انصراف به صورتی دارد که افراد پیش‌بینی کننده، اصلاً داخل در مسابقه نیستند که در این صورت، استثناء مسابقات سه‌گانه از این بند، به‌طور کلی صحیح نمی‌باشد.

بنا بر توضیحاتی که گذشت و بنا بر موازین شرعی - و با صرف نظر از شروطی که در فقه برای این مسابقات ذکر شده (ر.ک: محقق حلّی، ۱۴۰۸، ۱۸۶/۲-۱۸۵)، اما در این قانون به آن اشاره‌ای نشده است - نمی‌توان «اسب سواری، تیراندازی و شمشیربازی» را به‌طور مطلق از بند (۱) و (۲) این قانون خارج نمود. بنابراین، تنها در جایی که خود مسابقه دهندگان موارد مذکور، قمار، شرط‌بندی یا پیش‌بینی نمایند به نحوی که بازنده ملزم به پرداخت مال به برنده شود؛ و یا شخص ثالث، جایزه شخص برنده مسابقه دهندگان را پرداخت نماید، مطابق موازین شرعی بوده؛ اما دیگر موارد، مطابق موازین شرعی نبوده و ذیل اصل اولی حرمت شرط‌بندی قرار می‌گیرد. همچنین به جهت آنکه این استثناء خلاف اصل اولی است، جواز شرط‌بندی، صرفاً در مسابقه در فضای حقیقی است و مسابقه در فضای مجازی، همچنان ذیل اصل اولی حرمت، قرار دارد.

۴-۲ «مسابقه با تانک، هواپیما و سایر ادوات جنگی که کاربرد نظامی و

دفاعی دارند»

همان‌طور که بیان شد، اصل اولی در شرط‌بندی حرمت است و مطابق روایات، برخی مسابقات از این اصل خارج شده است. اما با توجه به آنکه از مسابقاتی نظیر «مسابقه با تانک، هواپیما و سایر ادوات جنگی که

کاربرد نظامی و دفاعی دارند؛ سخنی در روایات به میان نیامده است؛ بلکه اصلاً اینگونه وسایل جنگی، وجود نداشته و جزء وسایل جنگی مُدرن محسوب می‌شوند؛ بنا بر اصل اولی، انجام این مسابقات نیز حرام می‌باشد. اما با این وجود قاطبه فقهای معاصر، به جواز اینگونه مسابقات نیز فتوا داده‌اند.

در فقه امامیه برای تعدی حکم از موضوعی به موضوع دیگر، اسبابی ذکر شده است که از جمله آن، «تنقیح مناط»، «الغاء خصوصیت» و «مناسبت حکم و موضوع» می‌باشد (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۴: ۱۷۲). لذا برخی فقها مستند به تنقیح مناط (سبحانی، ۱۳۸۴: ۸۶)، الغاء خصوصیت (مغنیه، ۱۴۲۱: ۲۳۵/۴) و یا مناسبت حکم و موضوع (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶: ۵۰۸/۸)، جواز شرط بندی در مسابقاتی که منصوص در روایات است را به مسابقه با وسایل جنگی مُدرن نیز تسری داده‌اند و امام خمینی (ره) عدول از این حکم را، موجب از بین رفتن تمدن جدید و بازگشت به کوخ نشینی دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵۰/۲۱). به هر حال، همه این فقها در حکم به تعدی جواز حکم مذکور به وسایل جنگی مُدرن، اتفاق نظر دارند.

آن گونه که برخی فقها تصریح کرده‌اند، غرض از سبق و رمایه، آمادگی مسلمانان برای رویارویی و جنگ با کفار و دشمنان می‌باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۸۳/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۵/۱۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۸۱/۲۱) و این امر روشن ترین مصداق برای «قوة» است که امر در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) شامل آن می‌شود (باقر ایروانی، ۱۳۸۵: ۲۸۴/۲). بنابراین غرض و با توجه به تعدی فقها از مسابقات منصوص در روایات، می‌توان به جواز «هر مسابقه‌ای که موجب تقویت بنیه دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی می‌شود» حکم کرد. اما در اشکال شورای نگهبان به این عبارت - که موجب تغییر این عبارت در متن قانون

شد- آمده که عبارت «هر مسابقه‌ای که موجب تقویت بنیه دفاعی» شود، شامل مصادیقی نظیر مسابقات رزمی و کشتی نیز می‌شود، حال آنکه مصادیق بیان شده در روایات، نمی‌تواند شامل این قبیل مسابقات شود (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۶؛ پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ الف: ۵). اما برخلاف آنچه که شورای نگهبان بیان کرده، اینگونه مسابقات را نمی‌توان نقض این عبارت دانست، زیرا به نظر می‌آید با قید «موجب تقویت بنیه دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی شود»؛ اینگونه مسابقات خارج می‌شود. چه آنکه در حال حاضر و با آمدن تجهیزات مدرن جنگی، اینگونه مسابقات موجب تقویت بنیه دفاعی و نظامی حکومت نمی‌شود. مضاف بر آنکه حتی بر فرض اگر گفته شود که این مسابقات نیز موجب تقویت بنیه دفاعی و نظامی می‌شود؛ با توجه به تعدی فقها از مسابقات منصوص، بعید نیست گفته شود که با همان بیانی که مسابقاتی نظیر مسابقه با تانک و هواپیما جزء مستثنیات شرط‌بندی دانسته شد، به همان بیان، اینگونه مسابقات را نیز می‌توان جزء مستثنیات دانست.

همچنین با توجه به غرض، بلکه مناطی که فقها از جواز اینگونه مسابقات بیان کرده که به هدف دفاع و جنگ با کفار و دشمنان است، نمی‌توان به نظر شورای نگهبان که دفاع شخصی از اموال و نوامیس را نیز از جمله موارد استثناء از اصل حرمت دانسته‌اند (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۶؛ پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ الف: ۵)، ملتزم شد که به جهت همین ایراد، قید «جمهوری اسلامی» از قانون خارج گردید. حتی در صورت شک نیز، با توجه به اصل اولی حرمت، أخذ به قدر متیقن شده و باید به مسابقاتی که موجب تقویت قوای نظامی و دفاعی حکومت اسلامی می‌شود، اکتفا کرد. حتی مقصود فقهای که یکی از انگیزه‌های این مسابقات را دفاع از نفس بیان کرده‌اند نیز، در فرض جهاد بوده است (فاضل مقداد،

۱۴۰۴: ۳۴۸/۲؛ سیستانی، ۱۴۱۵: ۱۵۹/۲) و نه در فرضی خارج از جهاد و به منظور یک امر شخصی مانند مقابله با سارق. حال آنکه اگر این نظر شورای نگهبان صحیح بوده باشد، لازم می‌آید که شرط‌بندی در مسابقات رزمی و گشتی نیز صحیح باشد، حال آنکه خود ایشان نیز به این امر ملتزم نشده‌اند (شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۶؛ شورای نگهبان، ۱۴۰۱-الف: ۵).

حال با توجه به سخنان فقها و حکم به تسری جواز شرط‌بندی به وسایل جنگی مدرن، همانگونه که حکم به توسعه موضوع داده شد، شاید بتوان به تضییق موضوع نیز حکم کرد؛ آن‌گونه که در مناسبت حکم و موضوع نیز این سخن آمده است که در مواردی موجب تضییق موضوع می‌شود (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۴: ۲۱۲). بر همین اساس، جواز شرط‌بندی در مسابقات منصوص، نظیر اسب‌سواری و شمشیربازی یا تیراندازی با کمان که در زمان حاضر کارایی در جنگ ندارد، با تردید مواجه می‌شود؛ بلکه برخی به جای نبودن آن، تصریح کرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۶۲). به تعبیر شهید مطهری (ره)، تا وقتی سبق و رمایه سنت مستحب شمرده می‌شود که آن وظیفه خودش را در اجتماع انجام بدهد؛ حال اگر ابزار دیگری به جای تیراندازی و اسب‌دوانی آمد، وظیفه آن است که آن ابزار را به کار بست و به دنبال کسب مهارت با آن وسایل بود (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۸۷/۲۱).

۵- بررسی فقهی تبصره دوم ماده ۲۰۵

در این تبصره آمده است:

«در صورتی که اقدامات مرتکب یکی از جرائم مذکور در بندهای (۱) تا (۳) این ماده به عنوان حرفه یا سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته محسوب نگردد، چنانچه قبل از تعقیب یا پس از شروع به تعقیب با مراجع قضائی یا انتظامی همکاری مؤثر در شناسایی اداره کنندگان و سردهسته‌ها و

اموال و عواید حاصل از جرم آنها داشته باشد، پس از ضبط اموال و عواید حاصل از جرم به نفع دولت از تعقیب موضوع این ماده معاف می‌شود.

سه عنوان در این تبصره قابل بررسی فقهی می‌باشد. عنوان اول، بررسی نقش «همکاری مؤثر» عاملان اینگونه جرائم در سقوط مجازات تعزیری است. در عنوان دوم باید بررسی گردد که چرا کسانی که «حرفه یا سرکردگی گروه مجرمانه سازمان یافته» را برعهده دارند، شامل این معافیت از تعقیب نمی‌شوند. مسئله سومی که باید بررسی گردد، «ضبط اموال و عواید حاصل از جرم به نفع دولت» می‌باشد.

بر خلاف برخی حدود که با توبه ساقط نمی‌شود، توبه در مجازات‌های تعزیری موجب سقوط تعزیر می‌شود (شیخ بهایی، ۱۳۸۶: ۹۳۴؛ علامه مجلسی، بی تا: ۵۹). حال در قمار، شرط بندی و بخت آزمایی نیز به جهت آنکه شارع، مجازات حدی برای آن تعیین نکرده است، مجازات آن به صلاحدید حاکم بوده و در صورت توبه عاملان، تعزیر ساقط می‌شود. حال، «همکاری مؤثر در شناسایی اداره کنندگان و سردسته‌ها و اموال و عواید حاصل از جرم آنها» توبه عملی بوده و به موجب آن، قانون گذار تعزیر را از آنان ساقط کرده است. اما مطابق با این تبصره و فتوای برخی فقها (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳/۳۶۰)، سقوط مجازات تا قبل از دستگیری این افراد می‌باشد.

سقوط تعزیر در این تبصره، مخصوص کسانی است که جرم‌های بند (۱) تا (۳) به عنوان «حرفه یا سردهستگی گروه مجرمانه سازمان یافته محسوب نگردد»؛ در غیر این صورت شامل این معافیت از مجازات نمی‌شوند. این عبارت بعد از سه مرحله ایراد ابهام شورای نگهبان در خصوص مشخص نکردن نظر قانون گذار درباره افرادی که به صورت موردی و غیرسازمان

یافته اقدام به یکی از این جرایم می نمایند، اضافه گردید (پژوهش‌شکده - شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۵؛ پژوهش‌شکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ الف: ۶؛ پژوهش‌شکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ ب: ۴). بنابراین در نهایت با تصحیح قانون‌گذار و اضافه کردن این عبارات، ابهام مذکور نیز برطرف گردید.

برخی محققان با بررسی فقهی برخی جرایم، به این نتیجه رسیده‌اند که سازمان یافتگی و یا تشکیلاتی بودن جرم، می‌تواند موجب تشدید مجازات شود (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۴). اما در این تبصره با وجود آنکه مجازاتی تشدید نشده، اما افراد فوق را شامل معافیت از تعقیب و مجازات ندانسته است.

«ضبط اموال و عواید حاصل از جرم به نفع دولت» به جهت حرمت وضعی اینگونه معاملات است که در مباحث قبلی به آن پرداخته شد. به این معنا که اینگونه معاملات باطل بوده و موجب انتقال ملکیت نمی‌شود. این عبارت بعد از اشکال شورای نگهبان مبنی بر عدم تعیین حکم وضعی اینگونه جرایم و عواید حاصل از آن (پژوهش‌شکده شورای نگهبان، ۱۴۰۰: ۵؛ پژوهش‌شکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱ الف: ۶)، به این ماده قانونی اضافه گردیده است. حکومت اسلامی می‌تواند به عنوان مجازات مالی گردانندگان اینگونه جرائم، اموال آنان را مصادره و به نفع دولت ضبط نماید (انصاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۶۸).

نتیجه‌گیری:

نتایج این مقاله که به بررسی فقهی رفتارهای مجرمانه مندرج در قانون ۷۰۵ مجازات اسلامی پرداخته است، نشان از آن دارد که این ماده قانونی که ذیل عنوان «قمار»، «شرط‌بندی» و «بخت‌آزمایی» بررسی گردیده، دارای اشکالاتی است و بنابراین نیاز به بازنگری دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

- ۱- اگر توافق به صورت «بازی» باشد، در چارچوب «قمار» محسوب می‌شود، اما اگر به صورتی دیگر و همراه با گروگذاری باشد، ذیل «شرط‌بندی» قرار می‌گیرد.
- ۲- در بند اول این قانون، بنا بر آنکه شخص ثالث ملتزم به پرداخت مال به شخص ثالث دیگری شود، داخل در موضوع بند دوم این قانون شده، لذا بهتر بود که قانون‌گذار این قسم را از بند اول، خارج می‌نمود.
- ۳- در بند سوم، بر خلاف آنچه که در قانون آمده، لزومی ندارد که دو طرف بخت‌آزمایی «شخص» باشند. لذا جهت رفع این نقیصه که ممکن است موجب سوء استفاده شود، مناسب است که قانون‌گذار، موضوع این قانون را توسعه داده و آن را شامل شرکت‌های حقوقی نیز بداند.
- ۴- برگه‌هایی که به منظور امور خیریه واگذار می‌شوند، از این قانون مستثنی نشده‌اند؛ حال آنکه نظر شورای نگهبان، خلاف این امر بود و از دید قانون‌گذار مغفول مانده است.
- ۵- با توجه به ادله فقهی، استثناء مسابقات سوارکاری، تیراندازی و شمشیربازی نسبت به دو مورد از چهار مورد بند اول، مطابق با موازین شرعی نمی‌باشد که از این رو نیازمند بازنگری می‌باشد: الف) بازنده ملتزم به پرداخت مال به شخص ثالث شود ب) شخص ثالث، ملتزم به پرداخت مال به شخص ثالث دیگری شود.
- ۶- در تبصره اول، استثناء مسابقات مذکور از بند دوم، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا بنا بر ادله شرعی، تنها مسابقه‌دهندگان از حرمت شرط‌بندی استثناء شده‌اند، نه کسانی که پیش‌بینی می‌کنند.
- ۷- همانگونه که فقها با تعدی موضوع، مسابقات با وسایل جنگی مدرن را نیز جایز شمرده‌اند؛ برخی نیز با توضیح موضوع، مسابقات منصوص در روایات که در زمان حاضر، کاربرد نظامی ندارند را جایز ندانسته‌اند.

بنابراین نظر، جواز مسابقات سوارکاری، شمشیربازی و تیراندازی با کمان، با تردید جدی مواجه است.

۸- توبه در مجازات‌های تعزیری باعث سقوط تعزیر می‌شود. بنابراین، بر اساس موازین شرعی، افرادی که قبل از دستگیری با مراجع قضایی یا انتظامی همکاری می‌کنند، توبه عملی آنان محسوب شده و مطابق تبصره دوم، از مجازات معاف می‌شوند. با این حال، افرادی که سرکردگی یا حرفه مرتبط با این رفتارهای مجرمانه را دارند، از این معافیت برخوردار نیستند.

منابع:

- آل‌عصفور، یوسف (۱۳۶۳)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۲، چ ۱، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم - مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابن سیده، علی (۱۴۲۱)، المحکم والمحیط الاعظم، تحقیق عبد الحمید هنداوی، ج ۴، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۵، چ ۱، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر.
- ازهری، محمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، ج ۶ و ۹ و ۱۳، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- انصاری، قدرت‌الله؛ و دیگران (۱۳۸۶)، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، چ ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ایروانی، باقر (۱۳۸۵)، دروس تمهیدیه فی فقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه الفقه للطباعة والنشر.
- ایروانی، علی (۱۳۷۹)، حاشیه المکاسب، ج ۱ و ۲، چ ۲، قم: کتبی نجفی.
- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۴۰۰)، نظرات استدلالی شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی: طرح اصلاح موادی از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)، شماره گزارش: ۱۴۰۰۱۰۲۵.
- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۴۰۱ الف)، نظرات استدلالی شورای نگهبان در خصوص

مصوبات مجلس شورای اسلامی: طرح اصلاح موادی از کتاب پنجم
قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) (مرحله دوم)
 شماره گزارش: ۱۴۰۱۰۸۲۱.

- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۴۰۱ ب)، نظرات استدلالی شورای نگهبان در خصوص
مصوبات مجلس شورای اسلامی: طرح اصلاح موادی از کتاب پنجم
قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) (مرحله سوم)
 شماره گزارش: ۱۴۰۱۰۹۱۹.

- تبریزی، جواد (۱۳۸۹)، ارشاد الطالب فی شرح المکاسب، ج ۱، چ ۶، قم: دارالصدیقه الشهیده (سلام الله علیها).
- جرجانی، علی (۱۳۷۰)، التعریفات، چ ۱، تهران: ناصر خسرو.
- جزائری، عبدالله (بی تا)، التحفة السنیة فی شرح النخبة السنیة، تحقیق علیرضا ریحان.
- حایری، محمود و اسلامی، ساجده (۱۳۹۶)، مبانی فقهی جواز قرض الحسنه بانکها، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۶، ۱۱۳-۱۳۴.
- حر عاملی، محمدحسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۱۹، چ ۱، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
- حسینی عاملی، محمدجواد (بی تا)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۴، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حکیم، محمدسعید طباطبایی (۱۳۹۱)، توضیح المسائل، چ ۱، قم: مهر ثامن الائمه (ع).
- حلّی، حسین (بی تا)، بحوث فقهیه، چ ۴، قم: مؤسسه المنار.
- خامنه ای، سیدعلی حسینی (۱۳۹۸)، رساله آموزشی، ج ۲، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای انتشارات انقلاب اسلامی - نشر فقه روز.
- خرازی، سیدمحسن (۱۴۲۳)، بحوث الهامه فی المکاسب المحرمه، ج ۷، چ ۱، قم: مؤسسه در راه حق.
- خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۸۹)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۹۲ الف)، المکاسب المحرمه، ج ۲، چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۹۲ ب)، تحریر الوسیله، ج ۲، چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸)، موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۵، چ ۱، قم:

مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

- دارالمشرق (۲۰۰۰)، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، ج ۱، بیروت: دارالمشرق.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰)، لغت نامه: فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- روحانی، سیدمحمدصادق (۱۳۸۳)، استفتائات، ج ۱، ۱، قم: حدیث دل.
- روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۱۴)، المسائل المستحدثة، ج ۴، قم: دارالکتاب.
- روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۲۹)، منهاج الفقاهة، ج ۲، ۵، قم: انصار الهدی.
- زمخشری، محمد (۱۳۹۹)، اساس البلاغة، ج ۱، بیروت: دارصادر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۹)، استفتائات، ج ۲، ۱، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، نقش زمان و مکان در استنباط، فقه اهل بیت، ۴۳، ۵۳-۱۲۷.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۷)، مسائل فقهیة، ج ۱، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
- سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، ج ۱۶ و ۲۱، ج ۴، قم: السیدعبدالاعلی سبزواری.
- سبزواری، سیدعبدالاعلی (بی تا)، جامع الاحکام الشرعیة، ج ۹، قم: مؤسسه المنار.
- سلیمانی، حمید؛ و دیگران (۱۳۹۶)، تحلیل جرم سازمان یافته از دریچه فقه، جستارهای فقهی و اصولی، ۹، ۹-۳۹.
- سند، محمد (۱۴۲۸)، فقه المصارف و النقود، ج ۱، قم: محبین.
- سیستانی، سیدعلی حسینی (۱۴۱۵)، منهاج الصالحین، ج ۲، ۱، قم: مکتب آیه الله العظمی سیستانی.
- سیستانی، سیدعلی حسینی (بی تا)، استفتائات، مشهد: علیرضا نیشابوری محمدی.
- شرتونی، سعید (۱۳۷۴)، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ۴، ۱، تهران: منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة-دار الاسوة للطباعة والنشر.
- شهیدثانی، زین الدین (۱۳۸۰)، روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۱، ۱، قم: بوستان کتاب.
- شهیدثانی، زین الدین (۱۴۱۳)، م سالك الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، المکاسب، ج ۱، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- شیخ بهایی، محمد (۱۳۸۶)، جامع عباسی، ج ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۸)، هداية السائل، ج ۱، قم: دفتر آیت الله صافی گلپایگانی.

- صدر، سيد محمد (١٤٣٠)، **ما وراء الفقه**، ج ٣، ١، بيروت: دارالأضواء.
- طباطبائي قمي، تقى (١٤٢٦)، **مباني منهاج الصالحين**، ج ٨، ١، قم: قلم الشرق.
- طريحي، فخرالدين (١٣٧٥)، **مجمع البحرين**، تحقيق احمد حسيني اشكوري، ج ٣، ٣، تهران: مكتبة المرتضوية.
- علامه حلي، حسن (١٤١٤)، **تذكرة الفقهاء**، ج ١٩، ١، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- علامه مجلسي، محمدباقر (بي تا)، **حدود و قصاص و ديّات**، تصحيح علي فاضل، ج ١، قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- علوي گرگاني، محمد علي (١٣٨٤)، **اجوبة المسائل**، ج ١٩، ٢، ١، قم: دفتر آيت الله علوي گرگاني.
- فاضل جواد، جواد بن سعيد (١٣٦٥)، **مسالك الافهام الى آيات الاحكام**، تصحيح محمدباقر بهبودي، ج ١، ٢، تهران: مرتضوى.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (١٤٠٤)، **التنقيح الرائع لمختصر الشرايع**، ج ٢، ١، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).
- فيروز آبادي، محمد (١٤١٥)، **القاموس المحيط**، ج ٤، ١، بيروت: دارالكتب العلمية.
- فيومي، احمد (١٤١٤)، **مصباح المنير**، ج ٢، ٢، قم: مؤسسة دارالهجرة.
- قائني، محمد (١٣٩٥)، **المبسوط في فقه المسائل المعاصرة (المعاملات)**، ج ١، قم: مركز فقهی ائمه اطهار (ع).
- قائني، محمد (١٤٢٤)، **المبسوط في فقه المسائل المعاصرة (المسائل الطبية)**، ج ٢، ١، قم: مركز فقهی ائمه اطهار (ع).
- لجنة الفقه المعاصر (١٤٤٤)، **الفائق في الاصول**، ج ١٠، قم: لجنة الفقه المعاصر.
- محقق حلي، جعفر (١٤٠٨)، **شرايع الاسلام في مسائل الحلال والحرام**، تحقيق عبدالحسين محمد علي بقال، ج ١٩، ٢، قم: اسماعيليان.
- محقق كركي، علي (١٤٠٩)، **رسالة المحقق الكركي**، ج ١، ١، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).
- محقق كركي، علي (١٤١٤)، **جامع المقاصد في شرح القواعد**، ج ٤، ٢، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مدرسي، محمدرضا (١٣٩٢)، **مقالات فقهية (قمار...)**، ج ١، قم: دارالتفسير.
- مصطفىوي، محمد كاظم (١٤٢٣)، **فقه المعاملات**، ج ١، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم - مؤسسه النشر الإسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). **مجموعه آثار شهید مطهری**، ج ۲۱، ج ۸، قم: اسراء.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۹)، **توضیح المسائل**، ج ۱۵، اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیها السلام).
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱)، **فقه الامام الصادق (ع)**، ج ۴، ج ۲، قم: مؤسسه انصاریان.
- مقدس اردبیلی، احمد (بی تا)، **مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، ج ۸، ج ۱، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)، **اسـئـلـة تـا تـات**، ج ۳، ج ۲، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶)، **انوار الفقاهة**، ج ۱، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵)، **دراسات فی المكاسب المحرمة**، ج ۲، ج ۱، قم: نشر تفکر.
- موسوی خلخالی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، **فقه الشيعة (الخمس)**، ج ۲، ج ۱، قم: دارالبشیر.
- موسوی خوانساری، احمد (۱۳۵۵)، **جامع المدارك فی شرح المختصر المنافع**، ج ۳، ج ۱، تهران: مكتبة الصدوق.
- موسی، حسین یوسف؛ و صعیدی، عبدالفتاح (۱۴۱۰)، **الافصاح فی فقه اللغة**، ج ۲، ج ۴، قم: مكتب الاعلام الاسلامی - مرکز النشر.
- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، **جامع الشتات**، تحقیق مرتضی رضوی، ج ۳، ج ۱، نهران: کیهان.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی تا)، **جواهر الکلام**، ج ۲۲ و ۲۸، ج ۷، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵)، **مستند الشيعة فی احکام الشریعة**، ج ۱۴، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)**، ج ۴، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).